

کارگاه نمایشنامه نویسی نغمه

ثمنینی با همکاری موسسه پرشش

برگزار می شود

فرهنگی و هنری

دومین کاشی ماندگار برای شخصیت‌های فرهنگی و هنری کشور بر سردر منزل جواد مجابی نصب شد.

دومین کاشی ماندگار شخصیت‌های فرهنگی و هنری کشور روز شنبه ۲۰ خرداد طی مراسمی از سوی سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی بر سردر منزل جواد مجابی شاعر، نویسنده، منتقد هنری و روزنامه‌نگار نصب شد. جواد مجابی با بیان این‌که این مسئله یعنی نصب کاشی بر سردر خانه شخصیت‌های فرهنگی و هنری فکر خوبی است، گفت: این طرح به شهر هویت می‌دهد و فرق خانه‌ها را مشخص می‌کند. من چند سال پیش مقاله‌ای نوشتم و در آن‌جا بیان کردم که آدم‌های زنده جزو میراث فرهنگی کشور هستند و این‌گونه نیست که صرفا کسانی که مرده‌اند یا چیزی که از گذشته باقی مانده است جزو میراث فرهنگی باشد. او با بیان این‌که فرهنگ امری جهانی است و فقط بومی نیست، بیان کرد: فرهنگ اهمیت بسیاری دارد. با وجود تمام تلاش‌های ما نوعی تمیض فرهنگی در بین کشورها به‌وجود آمده است. فرهنگ کشورهای ایران، هند و چین به مراتب غنی‌تر از فرهنگ کشورهای اروپایی و غربی است اما آن کشورهای تبلیغات را در دست دارند و داشته‌هایشان را بزرگ‌تر می‌کنند. ما نباید داشته‌هایمان را به رخ آن‌ها بکشیم اما باید خودمان را ارتقا دهیم. فکر می‌کنم این کار عملی باشد. باید به موج جهانی‌سازی پیوندیم و نباید سهم خود را نادیده بگیریم، ما نباید تمیض فرهنگی را فراموش کنیم و با نادیده بگیریم، این نویسنده افزود، دولت نباید در فرهنگ دخالت کند اما باید حامی فرهنگ باشد. ما نویسنده‌های نمی‌خواهیم دولت کتاب‌هایمان را بخرد اما اگر ممیزی برداشته شود با این مسئله

غم‌انگیز ربه‌رو نخواهیم بود. به طور مثال زمانی که دانش‌آموزی رمان می‌خواند، پدرش به او می‌گوید رمان نخوان، برو درس خودت را بخوان. تصور می‌کنم این مسئله نباید وجود داشته باشد. باید خدمات آموزشی گسترش یابد. این غم‌انگیز است که تیراز کتاب ما به ۳۰۰ نسخه رسیده است. فرض کنیم اگر کتابخانه‌های عمومی تجهیز شود و به طور مثال ۲۰۰۰ کتابخانه داشته باشیم که هر کدام سه نسخه بخردند می‌شود ۶۰۰۰ نسخه و اگر ۳۰۰۰ نسخه هم مردم عادی بخردند می‌شود ۸۰۰۰ که این عدد باید پایه تیراز کتاب در کشور باشد. او در پاسخ به این سوال که طرح کاشی ماندگار در واقع خاطره‌بازی یا محل زندگی هنرمندان است، درباره محل زندگی خود گفت:

ما از سال ۵۶ در این منزل ساکن شدیم. کوی نویسندگان و مجتمع‌هایی که هست در واقع یک مرکز فرهنگی است که ۱۷۵ خانواده روزنامه‌نگاران در آن‌جا ساکن شده‌اند. در واقع افراد فرهنگی در این‌جا زندگی کرده‌اند و آدم‌های بسیاری در آن‌جا رفت و آمد داشته‌اند. این محل محیط امن و آسایش بود و ارتباط بین ساکنان وجود داشت. این‌جا محل رفت و آمد نسل‌های مختلف فرهنگی و نویسندگان است. درهای این خانه‌ها به روی اهل فرهنگ باز بوده است. ما سعی کردیم این‌جا یک مکان فرهنگی باشد تا محل سکونت، اتفاقات‌های مهم ادبی از این‌اتاق‌ها عبور کرده‌اند و فضای این‌جا از تصاویر آن‌ها آکنده است که باید حفظ شود. البته ما سعی کرده‌ایم که اندکی آن را حفظ کنیم. به طور مثال سخنرانی‌هایی را که برای انجمن‌های ادبی بود شصت و نیت کرده‌ایم. این محل مکان سکونت نبود و فرهنگ در آن حضور داشت. بعد از انقلاب با تعطیلی کافه‌ها این‌جا محلی

از آنجا که این کارگاه پیشرفته محسوب می‌شود، رزومه متقاضیان بررسی می‌شود و البته تحصیلات مرتبط با ادبیات نمایشی برای پذیرش الزامی نیست.نتیجه بررسی رزومه اول تیرماه اعلام خواهد شد. علاقمندان برای شرکت در این دوره باید تا تاریخ ۳۰ خردادماه ۱۳۹۶ رزومه کاری خود را برای بررسی به آدرس ایمیل موسسه "پرشش" porshesh.institute@gmail.com ارسال نمایند. همچنین برخی متقاضیانی که به دلیل رزومه خود امکان شرکت دراین کارگاه را به صورت هترنجو نمی‌یابند، می‌توانند به عنوان ناظر در جلسات شرکت کنند. ناظرین امکان انجام کار عملی و شرکت در برنامه‌های کارگاهی را ندارند و تنها می‌توانند در تمام مدت کارگاه حضور داشته باشند و در جریان چگونگی پیشرفت دوره قرار گیرند.

کاشی ماندگار بر سردر خانه چهره‌های ماندگار



ایران را ترسیم می‌کند، نشان می‌دهد که سوادی مداوم فرزندان، همدلی با مردم و عمرسپاری در گسترش دانش و بینش بشری در کشور و جهان بوده است. استادان و سیاست‌گزارم که از سازمان محترم همسوئی خود را با ملتی بزرگ و فہیم نشان می‌دهد که بریادندگان فرهنگ انسان‌گرا را از دیرباز تا امروز، بازساخته است. آرزو درام زمانه چنان سازگار و هموار گردد که نسل‌های فردی، در این وطن و فرهنگ مردمش را عاشقانه بفرماید، خردورزان‌ه، مهربان‌تر از ما، ایران زیبای صلح‌آمیز پیش‌رو را در قلب این سیاره شמוש تابان نگه دارد. مجابی در انتها پیشنهاد کرد نصب این کاشی‌های ماندگار ادامه داشته باشد به خصوص برای مکان‌هایی که الان دیگر نیستند. او گفت: در کشورهای دیگر این امر وجود دارد که پلاک‌های کوچکی برای مکان‌هایی که نویسندگان و یا پژوهشگران در آن‌جا کارهای خود را انجام می‌دادند نصب شود . اگر این اتفاق در ایران بیفتد خوب است. مثلا کافه فیروز که زمانی پاتوق نویسندگان بنام بود و صادق هدایت در آن‌جا حضور داشت

موزه‌ها گران نمی‌شوند

فرهنگی و گردشگری به پهنائی بیشتر به بازدیدکنندگان، دوباره افزایش نرخ قابل توجهی را اعمال کرد.
موج تغییرات قیمت موزه‌ها از سال ۹۱ آغاز شد، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به یکباره تصمیم گرفت در نرخ بلیت‌ها خانه تکانی اساسی کند و افزایشی در حدود ۳۰۰ درصد ایجاد کرد.
این زمان ورودی برخی موزه‌ها یکسند تومان بود که با این دستور، تعرفه‌ها تا ۲۰۰۰ تومان افزایش یافت.
دامنه تغییر قیمت تا این حد، اعتراض‌های زیادی را بویژه در میان مجربان تورها، برانگیخت. بی‌ثباتی نرخ ورودی موزه‌ها در فاصله‌ی سال‌های ۹۱ تا ۹۵، بازار گردشگری را که تازه روی غلظک افتاده بود، بی‌نصب نگذاشت و در عین جابه‌جایی نرخ تورها و متضرر شدن برنامه‌ریزان سفر، نوعی بی‌اعتمادی را در گردشگران سبب شد، چرا که هر گردشگر و بازدیدکننده‌ای در هر نوبت مراجعه به اماکن تاریخی در این پنج سال، مدام با قیمتی متفاوت، این هم با دامنه گسترده‌ی تغییرات مواجه می‌شد.
این جریان هنوز هم به نقطه‌ی امن خود نزدیک نشده است، چرا که مجربان و برنامه‌ریزان سفر همچنان نسبت به برقراری ثبات در تعرفه‌ی موزه‌ها و اماکن تاریخی ناباور هستند و ششوی ناگهانی را همانند سال‌های ۹۱ و ۹۴ انتظار می‌کشند.



پس از سه بار افزایش نرخ بلیت موزه‌ها در پنج سال اخیر، مدیر اداره‌کل موزه‌های سازمان میراث فرهنگی و گردشگری اعلام کرد: اسمال دستوری برای افزایش دوباره‌ی تعرفه‌ی موزه‌ها نداریم.

محمدرضا کارگر گفت: افزایش نرخ ورودی موزه‌ها فعلا در دستور سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری قرار ندارد.

آخرین ابلاغ درباره‌ی مبلغ ورودی موزه‌ها و اماکن تاریخی، به اواخر تیرماه

دانلود قانونی جام تهی

اثر «جام تهی»، با صدای «محمدرضا شجریان» و تنظیم «فریدون شهبازیان» که پیش‌تر، نسخه فیزیکی آن توسط نشر «آوا خورشید»، روانه بازار موسیقی شده بود این بار به صورت دیجیتال و قانونی منتشر شد.
این آلبوم در سال ۱۳۸۳، توسط مؤسسه‌های فرهنگی و هنری «آوای خورشید» و «راویان هنر شرق» منتشر شد. البته این مجموعه سال‌ها پیش از آن، در اوایل دهه ۵۰، ساخته و تنظیم شده بود و از برنامه گل‌های تازه با شماره۷۷ در رادیو پخش شده بود و با نام «پر کن پیاله را!» شناخته می‌شد.

این مجموعه موسیقایی مشتمل بر چهار بخش یعنی سه قطعه در ماهور و یکی در آواز دشستی است. قطعات آن بر مبنای ملودی‌های قدیمی نوشته شده‌اند و این ملودی‌ها در آن زمان یعنی سال‌های آخر دهه ۱۳۴۰ و اوایل ۱۳۵۰ با اجراهای فراوان و کم‌کم کیفیت در اختیار مخاطبان قرار می‌گرفته اما همچنان در بین مردم طرفدار نداشته‌اند. گفته می‌شود؛ تنظیم فریدون شهبازیان در آن سال‌ها بسیار نوآورانه بود و پس از آن محل تقلید و الگوبرداری تنظیم‌کنندگان دیگر شد.
سایت «ritmo»؛ «دانلود و خریداری، «جام تهی» را برای مخاطبان امکانپذیر کرده و علاقمندان می‌توانند ضمن دانلود این اثر به راحت‌ترین شکل ممکن، این مجموعه را با کیفیتی بالا در اختیار داشته باشند.

فرهنگی و هنری

مستقل

۵

دوشنبه ۲۲ خرداد ■ شماره ۱۶۶

ستون یاد

بختیار علی و تگاهی نوبه داعش



الهام رئیسی‌فرد انب‌ه– روز‌نامه‌نگار

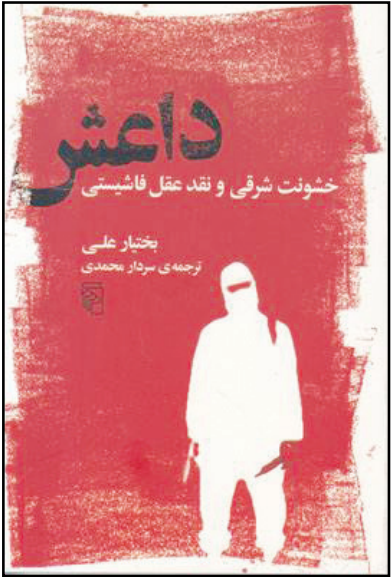


بختیار علی، متفکر، نویسنده، رمان نویس، شاعر و تحلیلگر کرد، در سال ۱۹۶۰ در شهر سلیمانیه عراق به دنیا آمد. وی تحصیلات مقدماتی و متوسطه را تا پایان دبیرستان ادامه و سپس به تحصیل در رشته زمین شناسی در دانشگاه‌های واقع در شهرهای سلیمانیه و اربیل پرداخت. در سن ۲۳ سالگی، او در تظاهرات دانشگاه سلیمانیه درسال ۱۹۸۳ مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و برای اولین بار خود را پشت میله های زندان می بیند، درست وقتی که در سال های

دانشجویی و تحصیل به سر می برد، شاید پس از این ماجرا بوده که بختیار علی احساس می کند به فضای بازتری برای گذران زندگی و ادامه فعالیت های ادبی اش نیاز دارد. اگرچه در همین دوران است که به کمک استاد بزرگ رمان و ادبیات و جامعه شناسی کردی، شیرزاد حسن، یکی از رمان های او به بنفاد میرسد و شیرزاد او را به عنوان نویسنده ای توانمند به جامعه ی ادبی معرفی می‌کند.

بختیار علی دلگیر و نگران از فضای تنگ و تاریک جامعه عراق و کردستان دل به دریا میزند، خاک زادگاهش را با بغضی غریب می‌بوسد و در آن سال‌ها سرزمین مادری را وداعی تلخ می‌گوید و به همین دلیل دانشگاه را برای همیشه رها می‌کند. در سال ۱۹۹۴ که سال شروع جنگ های داخلی مابین احزاب سیاسی کردستان و به «برادر کشی» معروف است، به نشانه اعتراض به چنین وضع استفاکی کردستان را ترک کرده و به مسوریه می‌رود. پس از نه ماه زندگی در دمشق از آنجا به آلمان «کشور موسیقی و فلسفه» رفته و تا سال ۱۹۹۹ در «فرانکفورت» اقامت می‌کند و در همان ایام به همراه جمعی از همراهان کرد خود، مجله «ره‌هه ند یا رهند» را در اروپا منتشر می‌کنند. او در همان سال به شهر «کلن» آلمان نقل مکان می‌کند از همان موقع تا کنون ساکن شهر «کلن» می‌باشد و تمام وقت خود را صرف نوشتن کرده است.

بختیار علی با نوشتن کتاب‌ها و مقالات اجتماعی، ادبی و فرهنگی گامی مهم در راستای روشنگری در جامعه کردی برداشته است. نوشتن بیش از ۲۰ کتاب و دهها مقاله نشانی بارز از این تلاش است. بختیار علی برای جامعه فارس زبان ایرانی نامی است آشنا، که با رمان «آخرین آثار دنیا»، راهی به درون این جامعه یافت و با اقبالی چشمگیر مواجه شد. چرا که باید علاوه بر سبک رئالیسم جادویی و نیز عاشقانه های اثارش، نیم نگاه او به زبان، فرهنگ، شعر و ادبیات ایرانی و فارسی در این اقبال کارگر افتاده است. اما باید گفت در اصل بختیار علی یک تفکر گر و متفکر است تا شاعر و رمان نویس، که کتاب "داعش" او این بار چهره ای متفاوت از بختیار علی به جامعه فارسی زبان نشان داد. او خود را بیشتر نویسنده ای میدانند که



"داعش؛ خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی" را وادار به واکاوی و پژوهش در

این زمینه کرده است. بختیار علی در مقاله "داعش، مائین فاشیستی" با رویکردی فلسفی و نگاه انتقادی درصدد واکاوی فرهنگ شرقی‌ایست. از نظر او «داعش تنها نماینده‌ی نیرویی وحشی و خطرناک و بی‌رحم نیست که در درون "دیگری" خوابیده باشد، بلکه نمایانگر نیرویی ترسناک و تاریک است و نیز مکانیسمی برای معامله و برخورد با قدرت و انسان؛ داعش دروازه‌ای برای فهم روان انسان‌ها و تاریخ صدساله اخیر این منطقه است.

داعش همان مائین فاشیستی است که در سده‌ی اخیر شرق گاهی آن را فرا می‌خواند و گاه آن را از خود می‌راند. گاهی نام آن را تغییر می‌دهد، صورت دیگری به آن می‌بخشد، آن را سرکوب می‌کند، هربار با ظاهری دگرگون باز می‌گردد و هویت ایدئولوژی دیگری را نمایندگی می‌کند. داعش زاده‌ی ایدئولوژی تمایز قائل‌شدن و فاصله‌گیری و ایجاد طبقاتی است که در مرحله‌ی توهم و خیال باقی مانده بودند. آن‌چه در شرق شکست می‌خورد، پروژه‌ی اتحاد و هماهنگی و شباهت نیست، بلکه پروژه‌ی ساختن تفاوت‌ها است. اصرار شدید و مطلق هویت‌های مختلف بر جدایی از هم، آن‌ها را به سوی شباهت‌های ترسناکی کشانده است. همان‌گونه که آکامین می‌گوید:

تلاش بسیار انسان برای تمایز قائل‌شدن میان خود با حیوان، او را به سوی نا-انسان بودن کشانده است.

انکار و ندیدن و عدم اعتراف به شباهت‌ها، ماهیت‌های مختلف در شرق را به سوی جدایی و تفاوت نکشاندن است، بلکه آن‌ها را به سوی نزدیکی و شباهت سوق داده است.

از نظر بختیارعلی راه‌کار مبارزه با داعش این‌گونه است:

مقابله با داعش تنها با مقابله‌ی نظامی انجام نخواهد گرفت، بلکه زمانی می‌توان به مقابله با داعش برخاست که از کلیت تفکر فاشیستی خارج شویم. تفکری که بر اساس الحاق کردن خود به قومیت و مذهب شکل گرفته است.

در مقاله "هویت ابدی/ هویت موقت"، او هویت را واکاوی می‌کند. از نظر وی هویت ابدی هویتی همیشگی است که پیشاپیش، تعریف جامع و بستهای از آن ارائه می‌شود و سوژه‌ی انسانی را به پیروی و تبعیت از آن وامی‌دارد. هویتی که هرگز دچار تغییر نخواهد شد. هر انسان و گروهی که درون این هویت نباشد به عنوان "دیگری" و "دشمن" تکریمته خواهد شد و تلاش برای نابودی دشمن در صدر برنامه قرار خواهد گرفت. در مقابل آن هویت موقت و سیالی، هویتی گشوده و قابل تغییر است. گشوده‌گی‌ای که امکان رابطه‌ی دوستانه با هویت‌های دیگر را داراست. هویتی ست که خود را مرکز عالم و مبنای حقیقت قرار نمی‌دهد.

این خلاصه‌ای از تفکر نظری ست که بختیار علی با سنت لکان و نئولکانی به تفکر داعش پرداخته است. در این کتاب منظور از "تفکر" سیستمی از ایده‌های بسته و خطرناک است که هر از گاهی خود را در قالب ایدئولوژی همانند داعش، القاعده، طالبانی و... ظاهر می‌کنم.

این کتاب توسط سردار محمدی در سال ۱۳۹۴ از سوی نشر مرکز ترجمه و چاپ شده است.

حدود ۱۴ سال پیش در نشر مرکز به چاپ

رسیده بود که حدود دو سال قبل به آلمانی ترجمه شد. من هم تازه از زوی سایت خود این مؤسسه شنیده‌ام که کتاب برگزیده این

ترجمه رمان ترلان نوشته فریبا وفی

نویسنده ایرانی برگزیده جایزه مؤسسه

(Litporm) آلمان شد.

فریبا وفی با تأیید این خبر گفت: این کتاب



رضادرمیشیان

جایزه‌ها را به قربانیان حوادث تئوریستی تهران تقدیم می‌کنم

رضادرمیشیان جایزه حقوق بشری‌اش را به قربانیان حادثه تئوریستی

تهران تقدیم کرد.

فیلم سینمایی «لاتوری» ساخته رضادرمیشیان برنده جایزه بهترین فیلم از هفدهمین جشنواره فیلم «حقوق بشر بوینس آیرس» آرژانتین شد و درمیشیان جایزه خود را به قربانیان حادثه تئوریستی تهران تقدیم کرد.

رضادرمیشیان درباره جایزه‌اش گفت: این جایزه حقوق بشری را بی‌شکس می‌کنم به شهیدا و قربانیان حادثه تئوریستی تهران، مردم بی‌گناهی که قربانی بی‌رحمی و جنایت دشمن حقوق بشر یعنی داعش شدند.

فیلم سینمایی «لاتوری» تاکنون در بیش از پنجاه جشنواره جهانی به نمایش درآمده است و این جایزه هفتمین جایزه جهانی این فیلم می‌باشد.

در این جشنواره «لاتوری» در بخش مسابقه هفدهمین جشنواره فیلم «حقوق بشر بوینس آیرس» آرژانتین با فیلم‌هایی از کشورهای ایتالیا ، آلمان ، اسپانیا ، بلژیک ، اردن ، لوگزامبورگ، بولیوی و ارمنستان به رقابت پرداخت.

عرضه و پخش بین‌المللی فیلم به عهده محمد اطبایی (مستقل‌های ایرانی) است.